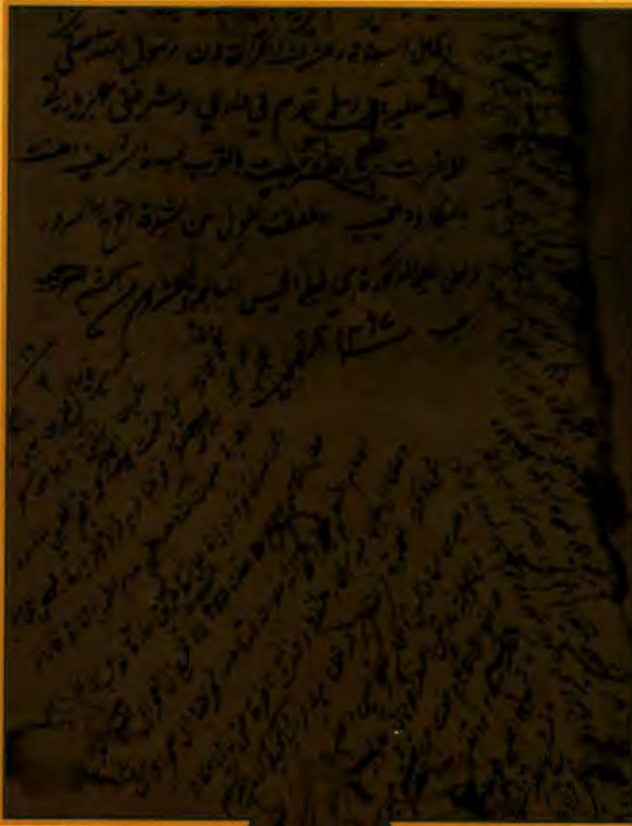


# شناخت نامہ

علامہ میر حامد حسین لکھنوی

(صاحب عمقات)



علی اکبر کوثری - عباس علی مردی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه  
عنوان و نام پدیدآور

کوثری، علی اکبر، ۱۳۵۹ -

شناخت نامه علامه میر حامد حسین رحمه الله  
صاحب عقبات/ به کوشش علی اکبر کوثری، عباس  
علی مردی؛ ناظر علمی مهدی اسفندیاری: [برای]  
کنگره بین المللی علامه میر حامد حسین، بنیاد  
بین المللی امامت.

مشخصات نشر  
مشخصات ظاهری  
شابک

قم: نشر معارف اهل بیت الطاهرين عليهم السلام، ۱۴۰۱.  
۷۴۸ ص.: مصور، عکس، نمونه.  
978-622-5663-22-0

وضعیت فهرست نویسی  
یادداشت

فیپا

کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع  
موضوع

میر حامد حسین کنسوری، ۱۸۳۰ - ۱۸۸۸ م.  
مجتهدان و علما -- هند

شناسه افزوده  
شناسه افزوده  
شناسه افزوده

مردی، عباس علی، ۱۳۵۲ -

اسفندیاری، مهدی، ۱۳۵۸ -

کنگره بین المللی بزرگداشت علامه میر حامد حسین  
لکهنوی

شناسه افزوده  
رده بندی کنگره

بنیاد بین المللی امامت

BP116

رده بندی دیویی  
شماره کتابشناسی ملی

۲۹۷/۹۹۸

۹۰۳۸۰۵۹

اطلاعات رکورد کتابشناسی

فیپا



بنیاد بین المللی  
میرکداشت علامه  
میرحامد حسین لکھنؤ



بنیاد بین المللی امامت  
Emamat International Foundation  
مؤسسة الإمامة الدولية

# شناخت نامہ علامہ میرحامد حسین رحمہ اللہ



## صاحب عبقات

بہ کوشش:

علی اکبر کوثری

عباس علی مردی

ناظر علمی:

مہدی اسفندیاری

بنیاد بین المللی امامت

۱۴۰۱

## شناخت نامہ

علامہ میر حامد حسین رحمہ اللہ



## بنیاد بین المللی امامت

ناشر: نشر معارف اہل بیت طاہرین علیہم السلام  
چاپ: اشراق / نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۱ھ  
شمارگان: ۵۰۰ نسخہ

تمام حقوق محفوظ است.

## مراکز بخش

۱. قم، صفائیہ، کوچہ ۲۱، کوچہ ۳، پلاک ۵۰  
کد پستی: ۳۷۱۳۷۴۵۱۱۷ تلفن ۰۲۵-۳۳۵۵۳۶۵۸

۲. قم، خیابان معلّم، مجتمع ناشران، طبقہ  
همکف، پلاک ۱۱، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۴۴۳

## فهرست اجمالی

۹	مقدمه کنگره.....
۱۳	مقدمه اثر.....

### فصل اول: زندگی نامه / ۱۷

۱۹	۱. تکملة نجوم السماء.....
۲۷	۲. لواء الحمد.....
۲۹	۳. سوانح قاسمی.....
۳۱	۴. نامه دانشوران ناصری.....
۳۳	۵. مرآة الكتب.....
۳۹	۶. الإعلام بمن هو في الهند من الأعلام يعني نزهة الخواطر.....
۴۱	۷. تکملة أمل الآمل.....
۴۳	۸. فوائد الرضوية.....
۴۷	۹. گزیده دانشوران و رجال اصفهان.....
۵۱	۱۰. مرآة الشرق.....
۵۹	۱۱. علماء معاصرين.....

۶۷	.....	۱۲. أعيان الشيعة
۶۹	.....	۱۳. ریحانه الأدب
۷۱	.....	۱۴. طبقات أعلام الشيعة
۷۵	.....	۱۵. مصقّی المقال
۷۷	.....	۱۶. الغدير
۷۹	.....	۱۷. أحسن الودیعة
۸۳	.....	۱۸. اختران تابناک
۹۳	.....	۱۹. مطلع انوار
۱۰۱	.....	۲۰. تراجم مشاهیر علمای هند
۱۰۵	.....	۲۱. تاریخ اجتماعی سیاسی هند
۱۰۹	.....	۲۲. گنجینه دانشمندان
۱۱۷	.....	۲۳. جرعه‌ای از دریا
۱۲۳	.....	۲۴. اختران فقاہت
۱۵۵	.....	کتاب‌شناسی دیگر منابع

### فصل دوم: اندیشه‌نامه / ۱۶۵

۱۶۷	.....	واکاوی منهج میر حامد حسین در نقد و بررسی تواتر احادیث در کتاب عبقات الأنوار
۲۰۵	.....	واکاوی دلالت حدیث غدیر بر امامت امام علی علیه السلام از دیدگاه علامه میرحامد حسین در کتاب عبقات الأنوار
۲۴۱	.....	احادیث بداء و طینت در منابع اهل تسنّن
۲۵۶	.....	کتاب‌شناسی دیگر منابع

### فصل سوم: خاندان، اساتید و شاگردان / ۲۵۹

۲۶۱	.....	نجوم السماء في تراجم العلماء
-----	-------	------------------------------



۲۶۹.....	دایرةالمعارف تشیع
۲۷۱.....	میرحامدحسین
۲۷۵.....	تاریخ اجتماعی فکری شیعه اثناعشریه
۲۹۳.....	علامه میرحامدحسین نیشابوری
۳۶۴.....	کتاب شناسی دیگر منابع

### فصل چهارم: کتاب شناخت / ۳۸۷

۳۸۹.....	عبقات الأنوار در اثبات امامت ائمه اطهار، دلالت حدیث ثقلین
۴۰۱.....	خلاصه عبقات الأنوار: حدیث ثقلین
۵۰۷.....	ایستار شیعیان در حملات دشمنان (موقف الشیعة من هجمات الخصوم)
۵۳۷.....	بازخوانی حیات علمی علامه میرحامدحسین هندی، کتاب الدرر السنیه
۵۶۴.....	کتاب شناسی دیگر منابع

### فصل پنجم: کتاب خانه ناصریه / ۵۹۱

۵۹۳.....	عرض موجز
۶۰۵.....	دو سند در مورد کتاب خانه ناصریه
۶۰۹.....	کتاب خانه های لکنهو
۶۱۵.....	سیری در کتاب خانه های هند و پاکستان
۶۱۷.....	گفت و گو با دکتر خواجه پیری
۶۲۳.....	کتاب شناسی دیگر منابع

### فصل ششم: عبدالعزیز دهلوی، تحفه اثناعشریه و ردیه های آن / ۶۳۱

۶۳۳.....	دانشنامه جهان اسلام
۶۴۹.....	عبقات الأنوار در اثبات امامت ائمه اطهار، دلالت حدیث ثقلین

- دانشنامه ادب فارسی ..... ۶۵۹
- مدخل «عبدالعزیز دهلوی (ab.dol.a.ziz-e.deh.la.vi)» ..... ۶۶۱
- ردیه‌های تحفه اثنا عشریه و شناسایی اجزای عبقات الأنوار ..... ۶۶۷
- تشید المطاعن ..... ۶۸۱
- کتاب‌شناسی دیگر منابع ..... ۶۹۵
- پیوست تصاویر ..... ۷۰۱
- فهرست تفصیلی ..... ۷۳۳

## مقدمه کنگره

بازخوانی میراث علمی گذشتگان و بازپروری آن در قالب‌های نوین و نیز تلاش برای تکمیل و تکامل دستاوردهای آنان، سیرتی سازنده و ستودنی در همه دانش‌ها و فرهنگ‌ها است. بزرگان تشیع نیز در مسیر بلند حیات این مکتب، همواره با وظیفه‌شناسی و فرصت‌سازی، بن‌بست‌های فراروی را شکسته و افق‌های بلند را در پیش‌روی آیندگان گشوده‌اند.

برای اثبات درستی این ادعا می‌توان تاریخ مدارس علمی و معرفتی شیعه را در گذرگاه‌های حساس زمان سراغ گرفت و نشان داد که از مدینه تا کوفه و از قم و ری تا بغداد و حله و از آنجا تا جبل عامل، شیراز و اصفهان، شیعه با چه سوزها و خروش‌ها این مسیر بلند را به پیش برده و راه‌های ناهموار و طاقت‌شکن را پشت سر گذاشته است.

اما در این میان، هنوز بخش‌های بزرگی از این تاریخ افتخارآفرین و سرنوشت‌ساز چندان که بایسته است، شناخته نیست. نباید از یاد برد که مکتب تشیع علی‌رغم فشارها و خشونت‌های وحشت‌انگیز، اما نفوذ و حضور خویش را از مغرب اقصی تا شرق دور به اثبات رسانده و در هر جا آثار علمی و فرهنگی درخشانی را به یادگار گذاشته است. از جمله این مدرسه‌های علمی که به حق، بارگرانی را بر دوش کشید و آثار گرانسنگی را برجای گذاشت، مدرسه علمی شیعه در شبه‌قاره هند است.

شاید کمتر کسی با مدرسه علمی شیعه در شبه‌قاره و به مرکزیت شهر لکهنو آشنا باشد، حال آنکه شیعه‌پژوهان و به‌ویژه پژوهشگران کلام شیعی نیک می‌دانند که این مدرسه و بزرگان آن در دوره‌هایی از تاریخ و از پس افول مدرسه کلامی اصفهان بعد از دوران صفویه، تأثیری شگرف در ارتقاء جایگاه علمی شیعه داشته و حوزه‌های نجف، قم و سایر بلاد شیعه را رهین دانش خویش ساختند.

آنچه در این خصوص شایان توجه است، حضور متکلمان اندیشمند و فقیهان توانمندی است که با مجاهدت‌های فراوان و با همت والای برخاسته از نبوغ علمی و غیرت دینی، دوران شکوفایی و درخشش این مدرسه را رقم زدند. آری، ستارگان درخشانی همچون آیت الله العظمی سید دلدار علی (غفران‌آب)، آیت الله سید محمد قلی کنتوری، آیت الله سید محمد عباس تستری (سید العلماء)، آیت الله سید محمد علی (صاحب عبقات) رحمته الله علیه با تشخیص بهنگام و با بهره‌گیری از زبان زمانه خویش، توانستند سدّی محکم در برابر سیل بنیان‌برافکنی که می‌رفت تا اساس اعتقادات جامعه شیعه را در آن سرزمین فروفکند، بناسازند؛ سلیلی برخاسته از ساخته‌های بی‌اساس درس‌آموختگان مکتب خلافت در دهلی و دسیسه‌های دشمنان اسلام در دنیای غرب. البته این مدرسه، در کنار آن آسیب‌ها، با بحران‌های درون شیعی نیز درگیر بود و از جانب دو جریان (تصوّف) و (اخباری‌گری) نیز مورد تهدید و تخفیف قرار می‌گرفت. مبارزه در جبهه داخلی و پیروزی بر دشمنان خارجی، با تحمّل تنهایی‌ها و تنگدستی‌ها، از این مردان بی‌ادعا در آن خطّه از خاک خدا، چنان صحنه‌تابناکی ساخته است که برای همگان در همه جا الگوئی پایدار برجای گذاشته است.

نتیجه آن مجاهدت‌های نبوغ‌آمیز و غیرتمندانه، تألیف آثار گوناگون و فراوان و تربیت شاگردان و خاندان‌هایی پرنام‌ونشان بوده است که هرکدام در زمانه خویش درخشیدند و تا اکنون ما پرتو افکندند. بررسی آثار این مدرسه به خوبی گویای این نکته است که چگونه سازندگان اندیشمند و خستگی‌ناپذیر آن دوران که به‌طور عمده پرورش یافته دو خاندان بزرگ یعنی «خاندان اجتهاد» و «خاندان عبقات» بودند، با جدّ و جهد فراوان و تتبع کم‌نظیر و با تکیه بر میراث برجای مانده از گذشتگان، بر محور اخبار و نصوص مورد اتفاق فریقین و همچنین با رعایت قواعد حاکم بر گفت‌وگوی علمی و منصفانه، اقدام به دفاع از امامت حقّه و معارف ناب مکتب اهل بیت علیهم السلام در برابر مخالفین نمودند. خدایشان اجر دهد و در جنات نعیم بر خوان اولیائشان میهمان گرداند.

اما آنچه سوگمندانه باید بدان اعتراف نمود این است که از پس ایام و در گذر از فراز و فرود

حوادث تاریخی، این مدرسه فقهی - کلامی نتوانست جایگاه علمی و سنت شاگردپروری خویش را در دوره معاصر حفظ نموده و اسف بارتر اینکه میراث فاخر و افتخار آفرین آن نیز به دور از دسترس مخاطبان، گردوغبار غربت و فراموشی به خود گرفت!

این مهم، مجموعه ای از مؤسسات علمی را بر آن داشت تا در قالب تشکیل دبیرخانه ای با مشارکت مراکز و نهادهای مرتبط و علاقه مند و با هدف برگزاری همایشی بین المللی، اقدام به احیای آثار این مدرسه فکری و معرفی آن به جامعه علمی حوزوی و دانشگاهی نمایند.

حاصل این فعالیت ها در گام نخست، بر محور آثار شخصیت های یاد شده دور می زند. در این میان، با پی جویی فراوان در کتابخانه ها و مراکز اسناد ایران و هند، آرشیو بزرگی از نسخه های خطی و چاپی از آثار بزرگان این مدرسه فراهم آمد و از بین این مجموعه عظیم که خود مکتبه مبارک و شکوهمندی از میراث معنوی اسلامی و انسانی است، به احیای مهم ترین آنها به اندازه توان و امکانات اقدام گردید. این مجموعه به همراه آنچه پیشتر در مؤسساتی در حال تحقیق و انتشار بود، گوشه ای از سیمای تابناک مدرسه کلامی - فقهی لکنورا به نمایش می گذارد. با این وصف، همزمان با برپایی کنگره، حدود یکصد جلد از این آثار به همراه مجموعه مقالات، ویژه نامه های نشریات و خبرنامه ها انتشار می یابد.

ناگفته نباید گذاشت که به اهتمام دبیرخانه علمی، گذشته از برگزاری پیش نشست های متعدد، کارگاه های پژوهشی تخصصی در معرفی این مدرسه و آثار آن به اجرا درآمد و گروهی از محققان جوان در این خصوص تربیت شدند.

لازم به یادآوری است که دبیرخانه، نخست همایش باشکوهی را در ۹۷/۱۲/۱۸ به پاس قدردانی از بنیانگذار این مدرسه، مرحوم علامه سید دلدار علی غفرانمآب قدس سره در شهر لکنورا برگزار کرد که با استقبال مراکز حوزوی و دانشگاهی هندوستان و علمای بزرگ آن بلاد مواجه شد و اینک دومین همایش را در شهر مقدس قم به منظور بزرگداشت علامه میرحامد حسین رحمته الله علیه برگزار می کند. امید است که این خدمت ناچیز گامی باشد برای اعتلای نام و ولایت امیرمومنان علیه السلام و احیای معارف مکتب اهل بیت علیهم السلام و تحفه ای باشد به پیشگاه ولی نعمت ما حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم سپاس بیکران خود را به درگاه ایزد مثنان تقدیم کرده و از همه افراد و مجموعه‌هایی که ما را در این مسیر یاری کرده و گوشه‌ای از این بارگران را به دوش کشیدند سپاسگزاری کنیم. مراکز و هم‌چون بنیاد بین المللی امامت، پژوهشکده امامت، مؤسسه معارف اهل بیت علیهم السلام، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مؤسسه کتابشناسی شیعه، مرکز میکروفیلم نور، جامعه المصطفی، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و مؤسسه بزرگ‌تر صغیر که در برپائی این حرکت ما را همراهی و مددکاری نمودند، و هم‌چنین از نماینده مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در هندوستان جناب حاجت الاسلام و المسلمین آقای مهدی مهدوی پور و نماینده حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظله العالی جناب حاجت الاسلام و المسلمین آقای سید جواد شهرستانی، تشکر و قدردانی می‌کنیم. وجود پربرکت مراجع عظام پشوانه معنوی این حرکت بود و به ویژه باید از مرحوم حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمه الله که از هدایت علمی و معنوی ایشان در طول این مسیر بلند بهره‌مند بوده‌ایم سپاسگزاری کنیم. استاد ارجمند حاجت الاسلام و المسلمین جناب آقای رضا مختاری از آغاز همراه این حرکت بزرگ بوده و نقش تأثیرگذار داشتند. در احیای این آثار و مدیریت علمی همایش نقش فضیلتی امامت پژوه ما، حجج اسلام و المسلمین آقایان مهدی اسفندیاری، محمد فرید انصاری، روح الله کاظمی و طاهر عزیزکیلی بی‌بدیل بوده است و بی‌گمان بدون همت این بزرگواران چنین دستاوردهای گرانبگی نصیب نمی‌گردید. آثاری که در این مجموعه انتشار می‌یابد حاصل سخت‌کوشی محققانی است که عمر گرانبهای خویش را بر سر این سرمایه بلند و جاودانه صرف کرده‌اند، از همکاری همه آنها کمال تقدیر را داریم. در مدیریت و پشتیبانی این رویداد مهم، اشخاص فراوانی همراه ما بودند که به ویژه باید از آقایان مسعود اقوام کرباسی و محمد حسن سبحانی یاد کنیم. دوام توفیقات همگان را در مسیر خدمت به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و دفاع از سنگر امامت و ولایت از خداوند متعال خواستاریم.

محمدتقی سبحانی

رییس کنگره بین المللی بزرگداشت علامه میرحامد حسین قدس سره

مدرسه کلامی - فقهی لکهنو

## مقدمه اثر

علامه ذو فنون میرحامد حسین نیشابوری لکهنوی قدس الله نفسه الزکیة یکی از شخصیت های برجسته و اثرگذار معاصر در میان عالمان شیعی است که با پژوهش های گسترده و طاقت فرسا، سهم وافری در گسترش معارف امامت و دفاع از مکتب شیعه در برابر هجوم مخالفان و معاندان داشت. گستردگی پژوهش ها و توانمندی علمی ایشان در عرصه های مختلف علوم دینی با مروری بر آثار متنوع ایشان به ویژه کتاب گران سنگ *عقبات الأنوار* به وضوح نمایان میشود.

سوگمندان به وجود جایگاه برجسته این عالم فرهیخته کمتر کسی با شخصیت و آثار علمی ایشان و همچنین فضای اجتماعی و فکری عصر حیات ایشان آشنایی دارد. این مهم دبیرخانه کنگره بین المللی علامه میرحامد حسین رحمه الله را بر آن داشت تا با تدوین شناخت نامه ایشان، گام نخست را در مسیر معرفی این شخصیت جهان تشیع برای پژوهش گران علاقه مند بردارد.

این اثر در بردارنده مهمترین آثار یا آگاهی هایی است که در خصوص علامه فقید و شرایط روزگار او به تحریر در آمده است. در این میان پاره ای از آثار به صورت مستقل به ایشان اختصاص یافته و بیشتر مطالبی است که به صورت پراکنده در لابه لای آثار و اسناد وجود دارد.

بر همین اساس، آنچه در این اثر گردآوری شده، بخشی به جهت اهمیت، اختصار و یا برخورداری از نکات منحصر به فرد به صورت کامل بازتاب یافته است و در بخشی دیگر تنها به معرفی اثر مورد نظر بسنده شده است. البته حجم اطلاعات فراهم آمده، بسی فراتر از متون حاضر است که نشر آنها را به صورت دیجیتال در پایگاه کنگره خواهیم داشت.

بر مبنای آنچه گذشت، اثر پیش رو در شش فصل تنظیم شده است.

در فصل اول تحت عنوان زندگی نامه، بخش‌های مربوط به شخصیت علامه میرحامد حسین رحمه الله از ۲۴ اثر انعکاس داده شده و در پایان فهرست ۹۱ اثر متنوع که در این زمینه حاوی اطلاعاتی هستند ارائه گردیده است.

در فصل دوم تحت عنوان اندیشه‌نامه، ۳ اثر در این خصوص آورده شده و به دنبال آن اطلاعات ۱۸ اثر دیگر در این زمینه فهرست گردیده است.

فصل سوم کتاب به معرفی خاندان، اساتید و شاگردان ایشان اختصاص یافته و در بردارنده متن ۴ اثر ارزشمند در این موضوع است که برخی از این آثار دور از دسترس پژوهشگران بوده و با ارائه در این کتاب به نوعی برای اولین بار به صورت گسترده منتشر می‌شود. فهرست ۱۱۵ اثر مرتبط با این موضوع نیز کامل‌کننده این فصل از کتاب است.

موضوع فصل چهارم آشنایی با آثار علامه میرحامد حسین است که تحت عنوان کتاب شناخت تنظیم شده و با ارائه ۴ اثر اطلاعات مفیدی را در زمینه آثار و تألیفات علامه میرحامد حسین رحمه الله در اختیار مخاطبان علاقه‌مند قرار می‌دهد. این بخش از شناخت‌نامه با ارائه فهرستی از ۲۲۷ نگاشته در قالب‌های متنوع کامل گردیده است.

کتاب‌خانه ناصریه عنوان فصل پنجم شناخت‌نامه است و در آن با ارائه متن ۵ اثر و معرفی ۶۰ اثر تلاش شده که اطلاعات موجود درباره شکل‌گیری و جایگاه کتاب‌خانه ناصریه به عنوان یکی از تراث خاندان عیقات به مخاطب گرامی منتقل گردد.

ششمین و آخرین فصل این کتاب در موضوع عبدالعزیز دهلوی و تحفه اثنا عشریه و ردود آن تدوین شده است که در بردارنده متن ۵ اثر به همراه معرفی ۳۲ نگاشته دیگر در این زمینه بوده و در آن به بررسی جایگاه کتاب تحفه اثنا عشریه و نویسنده آن و عکس‌العمل عالمان شیعی در پاسخ به این کتاب پرداخته شده است.

لازم به ذکر است هدف از گردآوری این مجموعه معرفی آثار و نگاشته‌های مرتبط با شخصیت و آثار علمی علامه میرحامد حسین رحمه الله بوده تا مسیر را برای آشنایی و دست‌یابی به این منابع برای پژوهش‌گران علاقه‌مند هموار سازد. به همین منظور از تصرف در محتوای آثار پرهیز شده و مطالب عیناً انعکاس داده شده است، لذا مسؤلیت صحت و اعتبار مندرجات هر اثر متوجه پدیدآورنده آن است.



همچنین گفتنی است که در کنار این پژوهش، مجموعه آثاری در ارتباط با اسلام و تشیع در هندوستان و اوضاع فرهنگی، فکری و اجتماعی شبه قاره در عصر علامه میرحامد حسین رحمه الله نیز شناسایی شده است که برای بهره‌مندی پژوهشگران علاقه‌مند، به همراه محتوای شناخت‌نامه در پایگاه کنگره ارائه می‌گردد.

این اثر نخست از سوی محقق گرامی جناب عباس علی مردی گردآوری و تدوین گردید و در ادامه به منظور افزودن بر غنای آن در اختیار جناب علی اکبر کوثری قرار گرفت و به صورت کنونی تکمیل گردید. هرچند هنوز هم به تأکید این پژوهشگران ارجمنند می‌توان آثار جدیدی را در گوشه و کنار جستجو کرد، اما به دلیل حجم اثر و فرصت محدود بنا بر آن شد که سایر اطلاعات در پایگاه کنگره و در ادامه در قالب یک نرم افزار ارائه گردد.

در پایان ضمن تقدیر از این عزیزان که با تتبع کامل این مجموعه غنی را فراهم نمودند، از همه کسانی که در مراحل پیاده‌سازی، مقابله، ویراستاری و آماده‌سازی اثر ما را یاری رساندند، کمال سپاس‌گزاری را داشته و امید داریم پژوهش‌گران عزیز با بهره‌برداری از این کتاب بتوانند گام شایانی در جهت زدودن گرد غربت از چهره علامه میرحامد حسین رحمه الله بردارند.

معاون پژوهش پژوهشکده امامت

روح‌الله کاظمی نجف‌آبادی



فصل اوّل

زندگی نامه



## ۱. تکملة نجوم السماء<sup>۱</sup>

جناب مستطاب آية الله في العالمين وحجته على الجاحدين، وارث علوم أوصياء خير البشر، المجدد للمذهب الجعفري على رأس المائة الثالثة عشر، مولانا ومولى الكونين، المقتفي لأثار آبائه المصطفين، جناب السيد حامد حسين أعلى الله مقامه وزاد في الخلد إكرامه؛

عقول عقلاء و أبواب ألباء در درک علو مرتبت و سمو منزلت اين بزرگوار مندهش و حائر، و آلسن بلغاء و مقالو فصحاء از بيان آيسر فضائل و اقل فواضل اين حجة الحق عاجز و حاصر است؛ همانا به که زبان کليل قلم به تحرير شمه‌ای از احوال تاريخيه بگرايد، ليکن مشکل است که از عهده اين مطلب هم کما ینبغی برآيد.

نام نامي اين بزرگوار در اصل سيد مهدی است و کنيت مبارکه ابوالظفر، ليکن به نام سيد حامد حسين معروف و مشهور گرديده؛ وجه اين شهرت آن است که والد ماجدش در عالم منام متشرف به زيارت جدّ امجدش سيد حامد حسين رحمه الله بود که بعد الانتباه خبر مسرت اثر ولادت اين نور نظر به سمع مبارکش رسيد، لاجرم به نام جدّ امجدش او را شهرت بخشيد.

## نسب شامخ الرتب

هو العلامة السيد حامد حسين بن العلامة السيد محمد قلي بن السيد محمد حسين المعروف بالسيد الله كرم بن السيد حامد حسين بن السيد زين العابدين بن السيد محمد المعروف بالسيد

---

۱. تکملة نجوم السماء: محمدمهدی لکنهوی کشمیری، متوفای ۱۳۳۰ ق. با مقدمه سيد شهاب الدين حسینی مرعشی نجفی، قم: مکتبه بصیرتی، ابي‌نا، ج ۲، ص ۲۴-۲۳. وی فرزند مؤلف کتاب نجوم السماء است که به توصيه سيد ناصر حسين اين تکمله را بر کتاب افزوده است.

البولاقی بن السید محمّد المعروف بالسید مدا بن السید حسین المعروف بالسید میتھہ بن السید حسین بن السید جعفر بن السید علی بن السید کبیرالدین بن السید شمس الدین بن السید الجلیل جمال الدین بن السید الأجل شهاب الدین أبوالمظفر حسین الملقب بسید السادات المعروف بالسید علاء الدین أعلى بزک بن السید محمّد المعروف بالسید عزّ الدین بن السید الأوحد شرف الدین أبي طالب المعروف بالسید الأشرف بن السید الأطهر ذي المناقب محمّد الملقب بالمهدي المعروف بالسید محمّد المحروق بن حمزة بن عليّ بن أبي محمّد بن جعفر بن مهدي بن أبي طالب بن عليّ بن حمزة بن أبي القاسم حمزة بن الإمام أبي ابراهيم موسى الكاظم بن الإمام أبي عبد الله جعفر الصادق بن الإمام أبي جعفر محمّد الباقر بن الإمام أبي محمّد عليّ زين العابدين بن السبط الشهيد ريحانة الرسول وقرّة عين المرتضى والبتول أبي عبد الله الحسين بن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب سلام الله عليهم أجمعين.

### تاریخ ولادت با سعادت

این بزرگوار در بلده میرتهه به تاریخ پنجم ماه محرم سال ۱۲۴۶ (یک هزار و دو صد و چهل و شش) از هجرت متولد شد؛ محلّ ولادت آن قبله دنیا و دین، در وقت ولادتش بیت سکنای والد ماجدش بود، لیکن الحال حسینیه معتبر است که همیشه به مجالس معمور است و محلّ نزول رحمت خواهد ماند.

### عهد طفولیت

در مبدأ عمر آثار فرزنگی و اعلام علوّ مرتبت از ناصیه مبارکه اش تابنده بود. هر شب بی آن که اخوانش از کتاب حمله حیدری میرزا رفیع باذل یک دو صفحه نخوانند خواب نمی فرمود. گویا شاعر عرب برای همین جناب این بیت نظم کرده بود:

وإذا امتطى مهداً فليس ينيمه  
إلا نشيد مدائح الأجداد

در سنین خردسالی چنان ذکاوت طبع از آن جناب ظاهر می شد که مردم تعجب ها می نمودند و وصول آن جناب را به مدارج عالیّه علم و عمل تفرّس می کردند.

## مبدأ تعلیم

ابتداء تعلیم آن جناب در سال هفتم از عمر مبارک شروع شد، چنانچه جناب والد ماجدش طاب ثراه به خط خود این امر را ثبت فرموده؛ عین عبارتش این است:

سید مهدی ابوظفر، عُرف سید حامد حسین سلمه الله تعالی، به تاریخ هفدهم ربیع الأول سنه ۱۲۵۲ هجریه مقدسه که روز ولادت با سعادت حضرت رسالت است به مکتب نشسته، پیش شیخ کرم علی خواندن شروع کرد، خدای تعالی شأنه توفیق تحصیل تمامی علوم متعارفه و خواندن کتب متداوله عطاء فرماید، بجاه محمد وآله الاطهار.

و بعد از این عبارت، این دعا که مقتبس از کلام ربّانی است، مکتوباً بخط والده الماجد طاب ثراه یافته شد، غالباً در مبدأ مکتب نشینی به تلقین والد ماجد خود طاب ثراه آن را بر زبان مبارک فرموده باشند:

بسم الله الرحمن الرحيم ﴿ربّ اشرح لي صدري ويسّر لي أمري، واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي﴾ ربّ يسّر وتمّم بالخير وادفع عني كلّ ضير.

بعد از انقضاء مدّت سیره، تعلیم آن جناب را جناب والد ماجدش طاب ثراه خود متکفل شدند و تا سال چهاردهم عمر، کتب متداوله ابتدائیه را به انجام رسانیدند. سال پانزدهم عمر مبارک بود که والد ماجد آن جناب در لکهنو تشریف آورده به رحمت حقّ پیوستند، لاجرم برای تکمیل تحصیل رجوع به دیگران لازم افتاد؛ شطری از کتب ادبیه مثل مقامات حریری و دیوان منتبّی، را پیش مولوی سید برکت علی صاحب، مدرّس بعض مدارس لکهنو خواندند. من بعد به خدمت جناب حجّة الاسلام مفتی الأنام مولانا السید محمد عباس التستری طاب ثراه رسیده، کتاب مستطاب نهج البلاغه را بر آن جناب عرض نمودند. کتب علوم عقلیه را از جناب السید مرتضی بن سلطان العلماء طاب ثراهما اخذ فرمودند، و اسفار علوم شرعیه را از جناب سلطان العلماء و جناب سید العلماء بزّالله مضجعها فراگرفتند؛ بیشتر اختصاص شان از حیثیت استفاده از اساتذّه خود، مبهّر الّباب است.

وقتی که کتاب ریاض المسائل را از جناب سید العلماء طاب ثراه اخذ می فرمود، احدی از تلامذه و مستفیدین جناب سید العلماء رحمه الله را تاب مجارات و مبارات آن جناب نبود؛

خود سید العلماء رحمه الله بر توقّف خاطر و حدّیّت ذهن آن جناب آفرین‌ها می‌فرمود. و تمام مدّت تحصیل، در دو مقام آن جناب را با جناب سید العلماء طاب ثراه در اخذ و تفهیم، فی الجمله تأملی و توقّفی رخ نمود. حالات اخذ آن جناب مناهج التّدقیق را که از تصنیفات عالیّه جناب سید العلماء رحمه الله می‌باشد، از این هم عجیب‌تر است؛ هنوز از کتاب مذکور نسخه مقروئه آن جناب در کتاب‌خانه آن جناب مخزون است. از مطالعه حواشی آن، جودت نقد و عظمت تحقیق آن جناب در آن عمر، افادات کمالیه و ارشادات عالیّه بر هر ناظر بصیر واضح می‌شود.

بالجمله، در عرض چند سال، تحصیل علوم را به انجام رسانیده، اشتغال به خدمت تصانیف والد ماجد خود طیب الله رسه فرمود. اوّل، فتوحات حیدریّه را تصحیح و تنقید نمود و در آخرش عبارتی تحریر فرمود که دلالت بر کمال آن جناب در علم ادب دارد. من بعد رساله تقیه را - که آن هم از تصانیف منیفه والد ماجدش طاب رسه بود - تصحیح و تهذیب نمود. پس از آن به تصحیح و اشاعت کتاب مستطاب تشیید المطاعن - که [از] جمله نوادر عصر و افراد دهر است - اشتغال فرمود، سال‌ها [ی] سال در تبیض و تصحیح و مقابله عبارات آن با اصول کتب مصروف ماند، و الحقّ احسانی عظیم بر مذهب اهل حقّ به این خدمت گران بها بگذاشت؛ هنوز از این مطلب فرصت دست نداده بود که از جانب مخالفین منتهی الکلام شایع شد، بعد از شیاع آن، مخالفین از راه استکبار، عرصه را بر عوام اهل حقّ، بلکه خواصّ ایشان تنگ تصوّر می‌نمودند و فخرها بر ظهور چنین کتاب می‌کردند، خود مؤلّف منتهی الکلام بالاخوانی و هرزه درایی را از حدّ گذرانیده بود و احدی را از اهل حقّ قادر بر جواب آن نمی‌دانست، حتّی اینکه می‌گفت: اگر اوّلین و آخرین شیعه جمع شوند، کتاب مرا جواب نتوانند نوشت! علماء عصر مثل سلطان العلماء و سید العلماء و جناب مولوی سید احمد علی محمّد آبادی و جناب حجّه الإسلام مفتی الأنام السید محمّد عباس تستری و دیگر اعلام رحمهم الله به سبب اغتشاش احوال سلطنت لکنهو و دیگر عوائق، از توجه به جواب کتاب مذکور ممتنع بودند، لیکن صاحب الترجمه بحمد الله تعالی این مهم را در عرصه شش ماه انجام داد و کتاب استقصاء الإفحام فی نقض منتهی الکلام را تصنیف فرمود. بعضی مباحث آن را علماء عصر ملاحظه نموده و حیرت‌ها می‌نمودند [ند] و به استماع مضامین



کرامت آگین را وجد می‌فرمودند. مباحث تایید اصولیین آن را به سبب ذوق فقاقت جناب سیدالعلماء طاب نراه بیش از پیش استجاده می‌کردند و به کلمات مستفحله و استعظام تمام آن را مذکور می‌ساختند. این کتاب از وقتی که شایع گردید، به نحوی کسر شوکت مخالفین شد که ناگفته می‌باشد. خود صاحب منتهی الکلام سال‌ها [ای] سال در بلاد هند گردش، و والیان ریاست مخالفین او را به هر نهج مدد می‌کردند، لیکن از عهده جوابش برنیامد و بعد او هم، در مخالفین اکثر اوقات اجتماعات عدیده و اعدادات شدیدیه برای جوابش به عمل آمد، لیکن منتج [به] نتیجه [ای] نشد. الحاصل تصنیف استقصاء الإفحام در مغازی علمیّه مثل غزوه احزاب تصوّر باید کرد و آیه «كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ» را شاهد حال باید دانست. بعد از تصنیف استقصاء الإفحام به سوی تکمیل شوارق التصوص توجه نمودند و در مدّت یسیره، مجلّدات عدیده آن جمع فرمودند. این کتاب هم از آیات باهره و بینات زاهره فضل و کمال آن جناب است.

من بعد به تصنیف و اشاعت کتاب عقبات الأنوار که اعظم ادلّه حقیّت مذهب اهل حق و اکبر حجج صدق دین اهل تشیّع است، عطف عنان فرمودند و تا آخر عمر در تصنیف و اشاعت آن اشتغال داشتند و مجلّدات عدیده آن را ظاهر ساختند.

آن جناب را در سنه ۱۲۸۲ (یک هزار و دو صد و هشتاد و دو) سفر حجّ و زیارت عتبات عالیات پیش آمد، در حرمین شریفین به کمال جدّ و جهد از کتب نادره انتخابات به قلم خاصّ فرمودند که مایه حیرت اولی الألباب است. جابجا در عقبات ذکر این مطلب می‌فرمایند، کمالاً یخفی علی من طالع مجلّداته.

در این سفر با علماء عراق اجتماعات مختبرانه واقع شد و جمله علماء آن جا احترامات فوق العاده نسبت به آن جناب به عمل آوردند. بعد از مراجعت از این سفر، اقبال تامّ بر تکمیل تصانیف خود فرمودند و جمیع اوقات خود را مستغرق در جهاد علمی نمودند.

در آخر عمر امراضی که از کثرت محنت در اشغال علمیّه حاصل شده بود، درد صدر و ضعف دماغ و قلّت اشتها و تحوّل بدن غلبه نمود، لیکن در اشتغال به تصنیف تقلیلی نفرمودند. و چون اشغال علمیّه به منزله غذای روحانی بود، اکثر اوقات اشتغال به مطالعه

کتب و املاء مضامین مؤید روحانی می‌شد. در تصنیف و مجاهده دینی به حدی انهماک داشتند که هرگاه به وجه درد صدر، دست یمین از کار افتاد، به دست یسار تحریر می‌نمودند و هرگاه دست یسار هم کار نمی‌کرد به زبان املاء می‌فرمودند. هیچ مانعی را در این باب مانع نمی‌انگاشتند، و همیشه عَلم نصرت دین مبین در دست داشتند.

تا آنکه در هیجدهم ماه صفر سنه ۱۳۰۶ (یک هزار و سه صد و شش) داعی اجل را لبیک اجابت فرمودند و در حسینیه جناب غفران مآب طاب ثراه مدفون شدند. هرگاه خبر وفات آن جناب در عراق رسید، مجالس عدیده فاتحه خوانی بنا شد و تمامی علماء شریک عزا شدند و اکابر او با قصائد کثیره لاتحصی در مرثیه انشاد نمودند.

#### تصانیف عالیہ

اعظم تصانیف آن جناب کتاب عباقات الأنوار فی إمامة [الأئمة] الأطهار است که سی مجلد می‌باشد. و از آن جمله است کتاب استقصاء الإفحام فی نقض منتهی الکلام که ده مجلد می‌باشد. و از آن جمله است کتاب شوارق التصووص که پنج مجلد است. و از آن جمله است کتاب کشف المعضلات فی حلّ المشکلات که مجلّدات عدیده دارد. و از آن جمله است العضب البتّار فی مبحث آیه الغار که مجلد مبسوط است. و از آن جمله است إفحام أهل المَین فی ردّ إزالة العین که مجلّدات عدیده دارد. و از آن جمله است التّجم الثاقب فی مسألة الحاجب فی الفقه، وهذا الكتاب عجیب جداً وله ثلث قوالب: کبیر ووسیط و صغیر. و از آن جمله است الدرر السنّیة فی المکاتیب والمنشآت العربیّة و لیس له نظیر. و از آن جمله است زین الوسائل إلی تحقیق المسائل مجلّدات عدیده دارد، وهذا الكتاب فيه فتاویہ الفقھیة و غیرها. و از آن جمله الذرائع فی شرح الشرائع فی الفقه لم یتم؛ و از آن جمله است أسفار الأنوار عن وقایع أفضل الأسفار، ذکر فیها ما سنع له فی سفره إلی الحجّ و زیارة أئمة العراق سلام الله علیهم.

صاحب مآثر از بزرگی شرف بی نظیرش اعتراف داشته مختصراً می‌نویسد:

میرحامدحسین لکهنوی از آیات الهیة و حجج شیعه اثنی عشریة است. گذشته از مقام فقاہت، در علم شریف حدیث و احاطه تام بر اخبار و آثار و معرفت احوال رجال، از شعب

شیعه و اهل سنت و جماعت، اولین شخص امامیه است قولاً مطلقاً. و در فن کلام، لاسیما مبحث امامت - که از صدر اسلام تا کنون ما بین ما دو فرقه بزرگ از این ملت میمون، معنون گردیده - صاحب مقامی مشهود است و موقفی بین المسلمین مشهور. هرکس کتاب *عقبات الأنوار* این بزرگوار [را] دیده باشد، می‌داند که در ابواب مذکور در کتاب مسطور، از اولین و آخرین، احدی بدان منوال سخن نرانده است و بر آن نمط تصنیف نپرداخته.

از امارات مؤید بودن وی من عند الله، ظفر یافتن اوست به صوابع خواجه نصرالله کابلی که شاه صاحب دهلوی تمام آن را انتحال نموده. و از آثار موقف بودن او، به دست آوردن کتب و اسباب و اساسات تألیف و جمع است. می‌گویند: در انواع علوم، قرب سی هزار مجلد ما بین صغیر و کبیر و خطیر و یسیر در کتاب خانۀ عامرۀ این مرتضی‌العصر، نسخه موجود است. و این سخن را از واعظی بزرگ نیز شنیدم که در طهران بر فراز منبری مذکور داشت، والله العالم.

اگرچه این سید اجل و حافظ اکمل از مردم ایران نیست، مقام دودمان کرامت نشان ایشان در لکهنو از ممالک هندوستان می‌باشد، ولی چون اصلاً از نیشابورند، پس در این باب از این کتاب می‌بایستی مذکور شوند.

في التاريخ که سنه ۱۳۰۷ است خبر رسید که به جنت جاوید خرامید قدس الله لطیفه و سر روحه الشریفه. انتهى.



## ٢. لواء الحمد<sup>١</sup>

إنّ حديث الغدير وقول النبي صلى الله عليه وآله وسلم في شأن عليّ بن أبي طالب عليه السلام: «من كنت مولاه فهذا عليّ مولاه، أللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله» من الأحاديث المجمعّة عليه عند الفريقين. لا ينكره إلا كافر كذاب ومنافق مرتاب. أمّا رواته من طرق الخاصّة فلا تعدّ ولا تحصى. وأمّا من طرق العامّة، فقد ذكر جمع كثير وجمّ غفير من أساطين علمائهم وأعمدة فضلائهم الذين امتلأ كتب الرجال من فضائلهم وفواضلهم، و قد أورد عباراتهم ورواياتهم في كتاب عبقات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار، العالم الفاضل والنحرير الكامل، أبو الفضائل وينبوع الفواضل، قاموس التحقيق، الحبر اللوزعيّ والعلم الألمعيّ، الذّابّ عن دين الله بصارم البيان، والمجاهد في سبيل الله برمح القلم والبنان، المحيي آثار الأئمة الهداة والمميت رسوم الفراعنة البغاة الطغاة، الذي ملأ سببه الخافقين، السيّد السند، المولوي حامد حسين، منّ الله على المسلمين بطول حياته وبقائه ودوامه، بمحمّد وآله، أشرف بريته وخير أنامه. ونحن نذكر ههنا على سبيل كمال الإيجاز والاختصار بعض أساميهم وكتبهم. ومن شاء تحقيق الحال وتفصيل المقال، فليراجع البحر الذخار والجنة ذات الأشجار والأنهار، أعني الكتاب المذكور، عبقات الأنوار. فإنّه وإيم الله

كالبحر يقذف للقريب جواهره      جوداً ويبعث للبعيد سحائبها

١. لواء الحمد في يوم الغدير، صارم الدين ميرزا محمّد الشريف اليزدي الحائري، چاپ سنگي، به خط ميرزا أبو الحسن الحائري، ص ٩، «في ذكر مصنف عبقات الأنوار» و ص ٨٤. جهت اهميت اين متن معاصر، بودن نويسنده اثر با علامه ميرحامد حسين است.



### ۳. سوانح قاسمی<sup>۱</sup>

... تنها نه در این کتاب، بلکه در نامه‌هایی که از ایشان<sup>۲</sup> انتشار یافته نیز مباحث متعددی را در خصوص شیعیان می‌توانیم ببینیم. بیش از این ایشان چه کاری می‌توانست انجام دهد؟ همان طور که قبلاً هم بیان شد، امام کبیر بدون در نظر گرفتن جایگاه و منزلت خود نزد میرحامد حسین - که مجتهد<sup>۳</sup> زمان خود در میان شیعیان بود - حضور پیدا کرد. چنانکه خود ایشان در نامه ای به مولوی ضیاء الدین رامپوری چگونگی این دیدار را با این کلمات ذکر کرده‌اند: «بی‌عمامه و رومال - چنانکه عادت من است - بر مکانی که مولوی حامد حسین صاحب لکهنوی شیعی ... فروکش بودند رفتم».

والله أعلم بالصواب. اما به طور دقیق معلوم نیست که این دیدار در کجا انجام پذیرفته است.<sup>۴</sup> بعید به نظر می‌رسد که این دیدار در لکهنو انجام یافته باشد، اما قرائن حاکی از آن است که ایشان مولوی حامد حسین را در میرٹھ یا سهارنپور ملاقات کرده باشند و یا اینکه مولوی حامد حسین برای کاری به دهلی آمده باشند و الا حضرت نزد ایشان رفته باشند.

---

۱. سوانح قاسمی، یعنی سیرت شمس الاسلام سیدنا الإمام الکبیر حضرت مولانا محمّد قاسم النانوتوی، سید مناظر احسن گیلانی، لاهور: مکتبه رحمانیہ، [بی‌تا]، [اردو]، ج ۲ و ۳، ص ۶۵-۶۸ این اثر به زبان اردو است.

۲. عالم اهل سنت شمس الاسلام، محمّد قاسم النانوتوی.

۳. اینکه مولوی حامد حسین را با عنوان مجتهد خطاب کرده‌اند، حاکی از این مطلب است که ایشان در میان شیعیان از امتیاز علمی خاص و ویژه‌ای برخوردار بود. والا حضرت هم در معرفی ایشان چنین نگاشته‌اند: «در جواب منتهی الکلام کتابی میسوط مسمی به استقصاء الإفحام نوشته‌اند و به زعم شیعیان در میان زمین و آسمان نظیر ندارند و آفتاب وقت و بدر منیر و بی نظیراند».

۴. این دیدار در میرٹھ و در خانه محمّد علی خان انجام گرفته است. محمّد طیب

در این دیدار مناظرات و مکالماتی میان دو طرف انجام شد و مولوی حامد حسین متوجه نشد که طرف گفتگوی ایشان مولانا محمد قاسم هستند؛ چرا که ایشان به جای استفاده از اسم مشهور خود، اسم تاریخی خود یعنی خورشید حسن را عنوان کرده بودند. همان طور که شاه عبدالعزیز نیز در تحفه اثناعشریه نام خود را غلام حلیم معرفی می‌کند که نام تاریخی ایشان است. به هرحال پیروی از سنت بزرگان را می‌بایست سعادت دانست و آن برای ایشان حاصل بود.



#### ۴. نامه دانشوران ناصری<sup>۱</sup>

... چنانکه در جواهر مضمیئه تألیف شیخ عبد القادر بن محمد حنفی و غیرها مذکور است: سید اجل،<sup>۲</sup> أستاذ الأساتذة ونقاد الجهابذة<sup>۳</sup>، فخر الحافظ الکابرین، وذخر الفحول<sup>۴</sup> المعاصرین امیرحامد حسین الهندی صاحب عبقات الأنوار فی إمامة الأئمة الأطهار در مجلد سادس از کتاب مستطاب عبقات که آن مجلد را در کلام بر حدیث شریف تشبیه تلفیق و تصنیف نموده است، و بر منکرین ثبوت و صحّت و روایت آن که بعضی از متأخرین محدّثین اهل سنت و جماعت می باشند انکار شدید آورده، و حدیث تشبیه را خود از طرق اهل سنت و جماعت به اعلی درجه اثبات رسانیده، و از جمعی کثیر و جمعی غفیر، از ثقات محدّثین و مشایخ مسندین<sup>۵</sup> این خبر را نقل نموده؛ از آن جمله است اخطب خوارزم - صاحب این ترجمه - که در کتاب مناقب أميرالمؤمنین روایت حدیث تشبیه کرده، و از چند طریق این منقبت عظمی و مکرمت کبری را نقل نموده، و رسم معتاد و سیر مألوف و سنت جاریه صاحب عبقات الأنوار است که از جهت تشیید اساس احتجاج و اتقان بنیان استدلال هر حدیث که از هر طریق اثبات می کند نقله و روات و رجال آن طریق را ترجمه می فرماید، و شرح احوال و مراتب وثاقت و عدالت ایشان را از کتب معتبره قوم ایراد می نماید، و غالباً بر سبیل استطراد<sup>۶</sup> و تصحیح

۱. نامه دانشوران ناصری: در شرح حال ششصد تن از دانشمندان نامی، جمعی از فضلا و دانشمندان دوره قاجار، چاپ دوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر، [بی تا]، ج ۷، ص ۳۹ - ۳۴۱. (در شرح حال اخطب خوارزم) بنا بر قرائن درون متن، ترجمه صاحب عبقات در زمان حیات وی نگاشته شده است.

۲. تمییز دهد خوب را از بد.

۳. ذخیره دانشمندان.

۴. استادان حدیث.

۵. به مناسبت یک کلام، کلام دیگری آوردن.

اعتماد و استناد بر شهادت موثقین و معدّلین ایشان، تراجم موثقین و معدّلین را نیز از مظانّ معتبر و موطن معتمد اخراج کرده و در خلال سخن مندرج ساخته، و هکذا به قدر مساس الحاحه در ذکر مراتب اعتبار نقله آن اخبار - که محلّ تنازع و تشاجر است - بکوشیده. فبناءً علی هذه السيرة المألوفة وألسنة الجارية ورسم المعتاد والشرط المنعقد علیه الكتاب، آن جناب شرح احوال و ترجمه اخبار اخطب خوارزم را در ضمن وجه شانزدهم از وجوه اثبات حدیث تشبیه و ابطال انکارش عنوان کرده، و از مواضع کثیر و مواقع معتبر بر حالات و اخبار وی دست یافته و نقل نموده است؛ و به مقتضای سبک مشارّ الیه و اسلوب سابق الذکر به تراجم معدّلین و موثقین وی نیز المام فرموده و بر احوال کسانی که از اخطب خوارزم روایت می‌کنند نیز اشارت آورده؛ و عبارات آن جماعت را هم - که مشتمل است بر نقل و روایت از اخطب خوارزم - از کتب ایشان اخراج کرده و در ضمن سخن اندراج داده است.

و احياناً تعرفه آن کتب را هم از کشف الظنون، بل و غیره باز نموده و گاهی - علی عاده المتعارفة - از فاتحه تصانیف و تألیفاتی که از آنها نقل کلام می‌کنند نیز سخنی بعینها می‌آورد تا بر شرائط و التزامات و تعهدات مصتف آنها، و یا بر جهات و مطالب دیگر که در مقام احتجاج و استدلال به کار است تنبیه فرموده باشد. علی الجملة آن میر تحریر و حبر کبیر، مؤونه تتبع و تجسّم<sup>۲</sup> استقراء را در این ترجمه و بسیاری از تراجم علماء عظام و فحول فحام از ما کفایت فرموده است. شکرالله مساعیه و آئده فی مستقبل عمره، کما آئده فی ماضیه.

و ما در هر ترجمه و شرح احوالی که از عبقات الأنوار نقل می‌کنیم تصرفی که ضرور داریم، فقط ترجمان برخی از عبائر<sup>۳</sup> عربیه است که برای خروج از عهده شرطی که در ابتدای تألیف این نامه نامی التزام شده است، ناچار می‌باید جمیع تراجم این کتاب را بر یک نسق و اسلوب ساخت، و گرنه ذکر احوال دیگر رجال، بر سبیل اجمال، در ضمن شرح اخبار کسی، به مناسبات و تقریباتی که پیش می‌آید، در حقیقت خود اکمال شرح احوال آن کس است. علاوه آنکه در کتب رجالیّه، هرچه اسامی رجال و مصادیق موضوع تألیف بیشتر مذکور افتد، و مکرّر معرفی شوند مطلوب است، اگر چند هر یک از آنها عنوان مخصوص و ترجمه علی حده نیز داشته باشند.

۱. دانشمند فطن و حاذق.

۲. زحمت و مشقت.

۳. جمع عبارت کلمات.

## ٥. مرآة الكتب<sup>١</sup>

المولوي السيد حامد حسين بن السيد محمد قلى خان بن السيد محمد حسين الموسوي النيسابوري الهندي اللكهنويي<sup>٢</sup>.

كان بحراً مؤجاً، وسحاباً شجاعاً، متكلماً، فقيهاً، أديباً، علامة دهره وأوحدى عصره. صرف عمره في تحصيل العلوم وترويج مذهب الإمامية. واجتمع عنده من الكتب ما لم يجتمع عند

١. مرآة الكتب، ثقة الإسلام تبريزي، تحقيق محمد علي حائري، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي، چاپ اول، ١٤١٤ ق، ج ١، ص ٤٦٣ - ٤٧٠، متوفى ١٣٣٠ ق.

٢. السيد الأمير حامد حسين بن الأمير المفتي السيد محمد قلى بن محمد حسين بن حامد حسين بن زين العابدين الموسوي النيسابوري الكنتوري اللكهنوي الهندي، المتوفى سنة ١٣٠٦ ق. أننى عليه صاحب الأعيان وقال:

«كان من أكابر المتكلمين الباحثين عن أسرار الديانة، والذاتين عن بيضة الشريعة وحوزة الدين الحنيف، علامة نحرياً، ماهراً بصناعة الكلام والجدل، محيطاً بالأخبار والآثار، واسع الاطلاع، كثير التتبع، دائم المطالعة، لم ير مثله في صناعة الكلام والإحاطة بالأخبار والآثار في عصره؛ بل وقيل عصره بزمان طويل ويغد عصره حتى اليوم.

ولو قلنا: إنه لم ينبغ مثله في ذلك بين الإمامية بعد عصر المفيد والمرضى؛ لم نكن مبالغين... وقد طار صيته في الشرق والغرب، وأذعن لفضله عظماء العلماء، وكان جامعاً لكثير من فنون العلم؛ متكلماً؛ محدثاً؛ رجالياً؛ أديباً؛ قضى عمره فى الدرس والتصنيف والتأليف والمطالعة، ومكتبته فى لكهنو وحيدة فى كثرة العدد من صنوف الكتب لا سيما كتب غير الشيعة.

وقد ألف عن حياته كتب بالعربية والفارسية والأردوية.

انظر: لكهنوي كشميرى، تكملة نجوم السماء، ج ٢، ٢٤ - ٣٣؛ المآثر والآثار، ص ٢٢٧؛ أحسن الوديعه، ج ١، ص ١٠٤؛ قمى، الفوائد الرضوية، ص ٩١؛ هدية العارفين، ج ١، ص ٢٦٢؛ إيضاح المكنون، ج ٢، ص ٩٢؛ أمين، أعيان الشيعة ج ٤، ص ٣٨١؛ لكهنوي، نزهة الخواطر، ج ٨، ص؛ مصفى المقال، ص ١١٩؛ مدرّس تبريزي، ريحانة الأدب، ج ٣، ص ٣٧٧ - ٣٧٩؛ آقا بزرك تهراني، نقباء البشر، ج ١، ص ٣٢٧ - ٣٥٠؛ الغدير، ج ١، ص ١٥٦؛ زرکلى، الأعلام، ج ٢، ص ١٦١؛ كخاله، معجم المؤلفين، ج ٣، ص ١٧٨؛ مرتضى حسين، مطلع أنوار، ص ١٥٦ - ١٦٣.

غيره من المشاهير حتى العلامة المجلسي<sup>١</sup>.

وقد طلبت من ولده الأفخم السيد ناصر حسين<sup>٢</sup> ترجمة والده، فكتب صورة ما ذكر الميرزا محمد علي في المجلد الثاني من نجوم السماء الذي لم يصل نسخته بعد إلى إيران،<sup>٣</sup> وأُنقل منه ما يهمننا نقله، مع ترك بعض غير المهم؛ فنقول:

قال: إنَّ إسمه الأصلي مهدي، ويكنى بـ«أبي الظفر»، ولكته اشتهر بـ«حامد حسين»، وذلك أنه رأى والده جدّه المولوي حامد حسين، فانتبه فبشّره بولادته، فاشتهر بالاسم المذكور. ثم ساق نسبه إلى أن أنهاه إلى حمزة بن الإمام الهمام أبي إبراهيم موسى الكاظم عليه السلام.

وكانت ولادته في بلدة ميرتهه، في خامس محرم سنة ١٢٤٦، ست وأربعين ومائتين وألف.

١. تعرف الآن مكتبته العامرة بإسم «المكتبة الناصرية»، وهي من أهم المكتبات الإسلامية التي تحوي على مخطوطات نفيسة. جاء في صحيفة المكتبة الصادرة عن مكتبة أميرالمؤمنين عليه السلام في النجف، ج ١، ص ١٤: «تزدهر هذه المكتبة العامرة بين الأوساط العلمية وحواضر الثقافة في العالم الإسلامي بنفانسهما الجمّة ونوادرها الثمينة، وما تحوي خزانتها من الكتب الكثيرة في العلوم العالية من الفقه وأصوله والتفسير والحديث والكلام والحكمة والفلسفة والأخلاق والتاريخ واللغة والأدب؛ إلى معاجم ومجاميع وموسوعات في الجغرافيا والتراجم والرجال والدراية والرواية...»

٢. شمس العلماء السيد ناصر حسين بن السيد حامد حسين الموسوي اللكهنوي، المتوفى سنة ١٣٦١. ترجم له العلامة الأمين وقال: «إمام في الرجال والحديث، واسع التنبّع، كثير الاطلاع، قوى الحافظة، لا يكاد يسأله أحد من مطلب إلا ويحليه إلى مظانه من الكتب، مع الإشارة إلى عدد الصفحات، وكان أحد الأساطين والمراجع في الهند، وله وقار وهيبة في قلوب العامة...»

حضرت علي والده وعلى العلامة المفتي السيد محمدعباس التستري. وتخرج عليه جمع من الفضلاء. له نفحات الأزهار في فضائل الأئمة الأطهار، مسند فاطمة بنت الحسين عليهما السلام، نفحات الأنس في وجوب السورة، إسباغ النائل بتحقيق المسائل، ديوان الخطب، كتاب المواعظ، ديوان شعر، كتاب الإنشاء، وغيرها؛ مع كونه مشتغلاً بإتمام كتاب والده عقبات الأنوار.

انظر: لكهنوي كشميري، تكملة نجوم السماء، ج ٢، ص ٢٤٨-٣٥٠؛ أمين، أعيان الشيعية، ج ١٠، ص ٢٥٠؛ مدرّس تبريزي، ريحانة الأدب، ج ٦، ص ٩٧.

٣. لم يخرج من كتاب نجوم السماء في تراجم العلماء إلا ما طبع منه في مجلد واحد، سنة ١٣٠٣ في لكهنو في حياة مؤلّفه المولوي الميرزا محمد علي بن صادق علي الكشميري، المتوفى سنة ١٣٠٩. ويشتمل هذا المجلد على تراجم علماء القرن الحادي عشر إلى أواسط القرن الثالث عشر الهجري.

وفي سنة ١٣٢١ ابتدأ ابن المؤلف الميرزا محمد مهدي بن الميرزا محمد علي الكشميري بتكميله بعنوان تكملة نجوم السماء؛ وقد طبعت بقم سنة ١٣٩٧ في جزئين. وعلى هذا نرى ترجمة السيد حامد حسين في لكهنوي كشميري، تكملة نجوم السماء، ج ٢، ص ٢٢-٣٣.

وكان في سنّ ١ طفوليّته يظهر آثار المجد والعلى من ناصيته. وكان لا ينام في الليل حتّى يقرأ عنده شيء من كتاب حملة حيدري للميرزا رفيع الباذل<sup>٢</sup>.

شرع في التعليم وهو ابن سبع سنين، ثمّ تكفّله والده؛ وقرأ عنده بعض الكتب المتداولة. فارتحل والده إلى كهنو وتوفّي فيها وهو ابن خمسة عشر سنة، فاشتغل عند المولوي السيّد بركة على<sup>٣</sup>. ثمّ قرأ على حجة الإسلام السيّد محمّد عباس التستري كتاب نهج البلاغة.

وأخذ العلوم العقلية عن السيّد مرتضى<sup>٤</sup> بن سلطان العلماء - يريد من سلطان العلماء، السيّد محمّد<sup>٥</sup> بن السيّد دلدار علي- والعلوم الشرعية منه ومن سيد العلماء - هو السيّد حسين<sup>٦</sup> ابن

١. كذا في الأصل.

٢. حملة حيدري في أحوال النبي والوصي عليه السلام وغزواته إلى شهادته. نظمها بالفارسية الميرزا محمّد رفيع بن محمّد المشهدي، المتخلص بـ «باذل»، المتوفّي ١١٢٣ أو ١١٢٤.

انظر: آزاد كشميري، نجوم السماء، ص ٢٢٠؛ آقا بزرگ تهراني، الذريعة، ج ٧، ص ٩١.

٣. السيّد بركة علي اللاهوري، المتوفّي بعد عام ١٢٧٠. انظر: مرتضى حسين، مطلع أنوار، ص ١٢٦.

٤. هو مولانا السيّد مرتضى الملقّب بخلصة العلماء بن سلطان العلماء السيّد محمّد بن مولانا السيّد دلدار علي النصيرآبادي، المتوفّي سنة ١٢٧٦.

انظر: لکنهوی کشمیری، تکملة نجوم السماء، ج ١، ص ١٨٠.

٥. السيّد محمّد بن السيّد دلدار علي النقوي النصيرآبادي اللکنهوی، الشهير بسلطان العلماء، المتوفّي سنة ١٢٨٤.

قال في الأعيان: «كان فقيهاً، حكيماً متكلماً، حسن المحاضرة، جيّد التحرير. تخرج على والده وانتقلت إليه رئاسة الجعفرية، وفوض إليه الحكم والقضاء على عهد السلطان أبي المظفر مصلح الدين أمجد علي شاه، وألزم قضاة البلاد بتطبيق أحكامهم على فتاواه، وكان لا يعدو له أمراً ولا يتخلّف عن إشارته...».

له مؤلفات قيمة في الفقه والأصول والكلام وغيرها، ذكر منها في تکملة نجوم السماء ثمانية وعشرين مؤلفاً.

انظر: لکنهوی کشمیری، تکملة نجوم السماء، ج ١، ص ٢٢٤-٢٨٤؛ أمين، أعيان الشيعة، ج ٩، ص ٢٧٦؛ مدرس تبريزي، ریحانة الأدب، ج ٣، ص ٥٩.

٦. مولانا السيّد حسين بن السيّد دلدار علي النصيرآبادي، الشهير بسيّد العلماء، المتوفّي سنة ١٢٧٣.

من أعظم علماء عصره، عالم بالتفسير والحديث والفقه والأصول والكلام. قرأ على والده وعلى أخيه سلطان العلماء السيّد محمّد.

وتخرج عليه جمع كثير من أعلام العلماء؛ منهم: العلامة الكبير السيّد المفتي محمّد عباس التستري، والسيّد حامد حسين. له: مناهج التدقيق، والروجيز الرائق، وروضة الأحكام في الفقه، والحديقة السلطانية في العقائد الإيمانية، والأمال في التفسير والمواعظ، وغيرها.

انظر: لکنهوی کشمیری، تکملة نجوم السماء، ج ١، ص ١٢٥-١٢٨؛ الكرام البررة، ج ١، ص ٣٨٧-٣٩٠.

السيد دلدار علي - وكان أكثر اختصاصه بسيد العلماء. وكان أتيام قراءة كتاب رياض المسائل لا يباريه أحد من شركاء درسه، وقرأ عنده أيضا كتاب مناهج التدقيق؛ وهو من مؤلفات أستاذه المذكور، وعليه حواش منه مما يبهر العقول.

ثم اشتغل بتصحيح مؤلفات والده، فابتدأ بالفتوحات الحيدريّة<sup>١</sup>، ثم كتاب تشييد المطاعن<sup>٢</sup>، فصححه وعرضه على الأصول التي أخذ منه، وبيّضه وأشاعه.

وفي ذلك الأثناء أشاع بعض العامة كتابه منتهى الكلام<sup>٣</sup>، وكان يتحدّى به علماء الإماميّة، ويزعم أنه لا يمكنهم الجواب عنه ولو اجتمع الأولون والآخرون منهم. ومن جهة اختلال أمر الدولة في لكهنو لم يتمكن سلطان العلماء ولا سيد العلماء ولا السيد محمّد عباس ولا السيد أحمد علي المحمّد آبادي<sup>٤</sup> من جوابه، فتصدّى صاحب الترجمة لجوابه، فألف كتاب استقصاء الإفحام في جوابه في ستة أشهر، فتجمع المخالفون واحتشدوا فلم يقدروا على الجواب.

ثم عزم على تكميل كتاب شوارق النصوص<sup>٥</sup>، ثم بتأليف كتاب عبقات الأنوار. وسافر في سنة اثنتين وثمانين ومائتين وألف إلى العتبات العاليات؛ والمكّة المعظمة. فحصل في الحرمين الشريفين الكتب النادرة للمخالفين؛ فنسخها بخطه، وينقل عنها في العبقات. واستقبله علماء العراق بالاحترام والإعظام، ثم رجع إلى موطنه فاشتغل بالجهاد العلمي، ومع غلبة الأسقام عليه ونحول بدنه لم يقصر عن التأليف، فكان يكتب بيمينه ويساره، وإذا ملّ من ذلك كان يملي على الكاتب، إلى أن بلغه أجله؛ فتوفّي في ثامن عشر شهر صفر سنة ست وثلاث مائة وألف.

١. الفتوحات الحيدريّة في الزد على كتاب الصراط المستقيم لعبد الحيّ الدهلوي. انظر: كشف الحجب والأستار، ص ١٢٢؛ الدرعية، ج ١٦، ص ١١٦.

٢. تشييد المطاعن في رة الباب العاشر من التحفة الإثنى عشرية، طبع في لكهنو على الحجر سنة. انظر: كشف الحجب والأستار، ص ١٢٢؛ مشار: فهرست چاپی فارسی، ج، ص ١٣٥٥.

٣. منتهى الكلام للشيخ حيدر علي بن محمّد حسن الدهلوي، ثم الفيض آبادي المتوفّي سنة ١٢٩٩. انظر: لكهنوي، نزّه الخواطر، ج ٧، ص ١٥٦.

٤. السيد: أحمد علي بن عناية حيدر الحسيني المحمّد آبادي، المتوفّي سنة ١٢٩٥، من تلامذة السيد دلدار علي. انظر: آزاد كشميري، نجوم السماء، ص ٣٤٩؛ آقابزرگ تهراني، الكرام البررة، ج، ص ١١٩؛ مرتضى حسين، مطلع أنوار، ص ٩٣.

٥. نسخة الأصل منه في مكتبته العامرة في لكهنو، وعنّها مصوّرة في مكتبة آيت الله المرعشي العامّة بقم، ذكرتها في فهرس مصوّراتها، ج ١، ص ٢٧٩ - ٢٨٢.

ثم ذكر مؤلفاته مما ذكرناه في القسم الثاني. ومن العجب أنه لم يذكر موضوع غالب كتبه، وقد كنت سألت عن ولده الأفخم تفصيل مجلّدات العبقات، فلم يذكر من ذلك شيئاً إلا ما أرسلني من ترجمة والده نقلاً عن نجوم السماء، وكتب في حقّ الكتاب المزبور أنه جواب الباب السابع من التحفة، وهو منهجان، وكلّ الكتاب ثلاثون مجلّداً.





## ٦. الإعلام بمن هو في الهند من الأعلام يعني نزهة الخواطر

السيد حامد حسين الكنتوري

الشيخ الفاضل العلامة حامد حسين بن محمد قلي بن محمد حسين بن حامد حسين بن زين العابدين الحسيني الموسوي الكنتوري، أحد الأفاضل المشهورين في أرض الهند.

ولد لأربع خلون من محرّم سنة ست وأربعين ومائتين وألف في «ميرتهه» حيث كان والده صدر الصدور، وقرأ عليه الكتب الابتدائية المتداولة، ومات أبوه وله خمس عشرة سنة من العمر، فقرأ الأدب على المولوي بركة على السنيّ والمفتي محمد عباس اللكهنوي، والعلوم العقلية على السيد مرتضى بن المولوي سيد محمد، وكتب العلوم الشرعية على السيد محمد بن دلدار علي وعلى السيد حسين، وكان أكثر أخذه ودراسته عن الأخير، واشتغل بعد التحصيل بترتيب مؤلفات والده وتصحيحها ومقابلتها بالأصول، وبدأ بتأليف استقصاء الإفحام في الرد على منتهى الكلام للشيخ حيدر علي الفيض آبادي، وأكمل شوارق النصوص. وسافر في سنة اثنتين وثمانين ومائتين وألف للحجّ والزيارة، واقتبس من الكتب النادرة في الحرمين ورجع إلى الهند، وانصرف إلى المطالعة والتأليف واقتناص الكتب النادرة وكثير منها بخط مؤلفيها من كلّ مكان وبكلّ طريق، وأنفق عليها الأموال الطائلة، حتى اجتمع عنده عشرة آلاف من الكتب، منها ما جلبت من مصر والشام والبلاد البعيدة.

---

١. الإعلام بمن في تاريخ الهند من الأعلام يعني نزهة الخواطر وبهجة المسامع والنواظر، عبدالحق بن فخرالدين الحسيني، متوفى ١٣٤١ ق. تحقيق: علي الحسيني الندوي، باكستان: طيب أكادمي، ١٣١٣ ق، ج ٨، ص ١٠٨ - ١١٠. كتاب مشتمل برزندگينامه ٤٥٠٠ نفر از علما و برجستگان هند از قرن اول تا قرن ١٤ هجري است. نویسنده از تاریخ نگاران بزرگ هند و دبیر انجمن علمای هند است و گفته شده که مذهب شیعه دارد. (پایگاه پارسا)

وكان بارعاً في الكلام والجدل، واسع الاطلاع كثير المطالعة، سائل القلم، سريع التأليف، وقد أضنى نفسه في الكتابة والتأليف حتى اعترته الأمراض الكثيرة وضعفت قواه. وكان جُلُّ اشتغاله بالرد على أهل السنة ومؤلفات علمائهم وائمتهم. كالشيخ الإمام ولي الله الدهلوي وابنه الشيخ عبد العزيز والشيخ حيدر علي الفيض آبادي وغيرهم.

ومن مؤلفاته استقصاء الإفحام في مجلدين ضخمين، وعبقات الأنوار في ثلاثين جزءاً، وشوارق النصوص في خمسة أجزاء، وكشف المعضلات في حلّ المشكلات، وكتاب النجم الثاقب في مسألة الحاجب في الفقه، والدرر السننية في المكاتب والمنشآت العربية، وله غير ذلك من المؤلفات.

مات في الثامن عشر من صفر سنة ست وثلاثمائة وألف في لكهنو، ودفن في حسينية العلامة السيد دلدار علي المجتهد.

## ٧. تكملة أمل الأمل

السيد حامد حسين بن العلامة محمد قلى خان الموسوي النيشابوري اللكنوي

كان من أكابر المتكلمين وأعلام علماء الدين وأساطين المناظرين المجاهدين. بذل عمره في نصره الدين، وحماية شريعة جدّه سيد المرسلين، والأئمة الهادين، بتحقيقات أنيقة، وتدقيقات رشيقة، واحتجاجات برهانية، وإلزامات نبوية، واستدلالات علوية، ونقوض رضوية، حتى عاد الباب من التحفة الإثني عشرية خطابات شعرية، وعبارات هندية تضحك منها البرية ولا عجب.

فالشبل من ذاك الهزبر وإنما تلد الأسود الضاريات أسودا

فإن والده العلامة صاحب تقليب المكائد وتشديد المطاعن، وكتاب صاحب العنوان عبقات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار في عدة مجلّدات، قد شاع في جميع الأقطار، واشتهر كالشمس في رابعة النهار. وله قدس سره كرامات مشهورة ومآثر ماثورة. توفي سنة ست بعد الثلاث مائة والألف.

١. تكملة أمل الأمل، سيد حسن صدر، متوفى ١٣٥٤ ق، تحقيق حسين على محفوظ و عدنان دباغ و عبدالكريم دباغ،

بيروت: دار المؤرخ العربي، ج ٢، ص ٣٠٨، ش ٣١١.



## ۸. فوائد الرضوية<sup>۱</sup>

حامد حسين بن محمدقلي الموسوي الكنتوري الهندي<sup>۲</sup>

السيد الأجل العلامة، والفاضل الورع الفهامة، الفقيه المتكلم المحقق، والمفسر المحدث المدقق، حجة الإسلام والمسلمين وآية الله في العالمين، وناشر مذهب آيائه الطاهرين، السيف القاطع والركن الدافع، البحر الزاخر، والسحاب الماطر، الذي شهد بكثرة فضله العاكف والبادي، وارثوي من بحار علمه الظمان والصادي.

أما التفسير، فهو بحره المحيط، وكشاف دقائقه بلفظه الفائق على الوسيط والبسيط.

- 
۱. فوائد الرضوية في احوال علماء المذهب الجعفرية، شيخ عباس قمي. متوفى ۱۳۵۹ ق. قم: مؤسسة بوستان كتاب، چاپ اول، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۷-۱۶۹.
۲. برای اطلاع بیشتر از شرح احوال و مراتب فضل، دانش و پروايشگی بزرگ‌ترين متکلم و عظيم‌ترين عالم نام‌آور دين، ميرحامد حسين ر.ک: اصفهانی کاظمی، احسن الودیعة، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۹؛ محلاتی، اختران تابناک، ص ۵۲۸؛ ناصر حسين، افحام الأعداء والخصوم، مقدمه، ص ۲۰؛ لکهنوی، تکلمة نجوم السماء، ج ۱، ص ۲۲ و ج ۲، ص ۲۴؛ آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۱، ص ۳۴۷؛ امين، أعيان الشيعة، ج ۴، ص ۱۸ و ج ۱۸، ص ۳۸۱-۳۷۴؛ كخاله، معجم المؤلفين، ج ۳، ص ۱۷۸؛ مدرّس تبریزی، ریحانة الأدب، ج ۳، ص ۳۷۷؛ آقا بزرگی تهرانی، الذریعة، ج ۲، ص ۳۱، ج ۱۸، ص ۱۲۶؛ ج ۱۰، ص ۲۳؛ دهخدا، لغتنامه، «حامد»، ص ۱۴۹؛ مير حامد حسين، عبققات الأنوار (تعريب، تحقيق و تنظيم از سيد علی حسینی ميلانی)، مقدمه؛ حکیمی، ميرحامد حسين؛ اعتماد السلطنة، المآثر والآثار، ص ۱۶۹؛ بغدادی، ايضاح المكنون (ذيل عبققات)؛ نوری، خاتمه مستدرک؛ خيابانی تبریزی، علماء معاصرین، ص ۳۰-۳۴؛ شیروانی، سواطع الأنوار في تقریظات عبققات الأنوار؛ القوائد المشکلة في المرآة المشکلة (شامل ۱۷ قصیده، در سوگ ميرحامد حسين)؛ مؤلفين کتب چاپی، ج ۲؛ قمی، هدية الأحباب، ص ۱۷۷؛ ارمغان، دوره ۲۷ (۱۳۷۷ ش) ش ۷، ص ۳۱۳-۳۲۷، ش ۸، ص ۳۵۳-۳۵۵ و ش ۹، ص ۴۱۵-۴۱۹؛ امینی، الغدير، ج ۱، ص ۱۵۶؛ آقا بزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۳۴؛ آزاد کشمیری، نجوم السماء، ص ۴۲۰؛ زرکلی، الأعلام زرکلی، ج ۲، ص ۱۶۱؛ لکهنوی، نزهة الخواطر، ج ۸، ص ۹۹.

وأما الحديث، فالرحلة في الرواية والدراية إليه، والمعول في حلّ مشكلاته عليه.  
 وأما الكلام، فلو رآه الأشعري لقرّبه وقربه وعلم أنه نصيرالدين ببراهينه وحججه المهدّبة  
 المرتبة.

وأما الأصول، فالبرهان لا يقوم عنده بحجّة، وصاحب المنهاج لا يهتدي معه إلى محجّة.  
 وأما النحو، فلو أدركه الخليل لاتّخذة خليلاً، أو يونس لأنس بدرسه وشفى منه غليلاً.

هو البحر، لا بل دون ما علمه البحر	هو البدر، لا بل دون ما طلعت البدر
هو النجم، لا بل دون النجم رتبة	هو الدر، لا بل دون منطقه الدرّ
هو العالم المشهور في العصر والذی	به بین أرباب النهی افتخر العصر
هو الكامل الأوصاف في العلم والتقى	فطاب به في كلّ ما قطر الذكر
محاسنه جلّت عن الحصر وازدهی	بأوصافه نظم القصائد والنثر

و بالجمله وجود آن جناب از آیات الهیّه و حجج شیعه اثنا عشریّه بود. هرکس کتاب  
 مستطاب عبقّات الأنوار که از قلم دُرّبار آن بزرگوار بیرون آمده مطالعه کند، می داند که در  
 فنّ کلام، سیّما در مبحث امامت، از صدر اسلام تا کنون احدی بدان منوال سخن نرانده و  
 بر آن نمط تصنیف نپرداخته. و الحقّ مشاهد و عیان است که این احاطه و اطلاع و سعۀ  
 نظر و طول باع نیست جز به تأیید و اعانت حضرت اله و توجّه سلطان عصر. روحنا له فداء.  
 در سالی که با برادر عالم جلیل خویش - که نامش بیاید در ترجمۀ محمّدقلی والد  
 ماجدشان - از هندوستان به زیارت اعتاب عالیّه مشرف گشتند، با علمای عظام ملاقات  
 مختبرانه کردند و از بین ایشان، شیخ ما محدّث علیم ثقة الإسلام نوری نور الله مرقدّه را به حکم  
 هم مشربی پسندیدند و ابواب دوستی مابین ایشان مفتوح گردید، و از آن به بعد یکدیگر را به  
 مکتوب یاد می کردند. تا آنکه در سنه ۱۳۰۶ ظاهراً جناب سیّد از دنیا درگذشت، و به اجداد  
 طاهرین خود پیوست رضوان الله علیه، لکن به مفاد:

۱. این کتاب بسیار ارزنده و کم نظیر با تحقیق آقای غلامرضا مولانا بروجردی در قم به چاپ رسیده است. کلمه عبقّات به  
 فتح عین و کسر باء جمع عقبه است، به معنای چیزی که بوی خوش دارد و کلمه «انوار» جمع نور - به فتح نون و سکون  
 واو - به معنای گل یا گل سفید است. مقدّمه عبقّات، ج ۱، ص ۴۴ (پاورقی).

زنده است کسی که در دیارش  
باشد خلفی بیادگارش  
جناب سید میر سید ناصر حسین<sup>۱</sup> خلف آن بزرگوار، که در جمیع آنچه ذکر شد از علوم و  
کمالات وارث آن پدر و ثانی آن بحر زخار [و مصداق قول شاعر است که گفت:]  
إن السرى إذا سرى فبنفسه      وابن السرى إذا سرى أسراهما  
زحمات پدر را نگذاشت هدر رود و مانند پدر ماجد خویش مشغول تتمیم عبقات است  
و تا به حال چند جلد هم مبیّضه فرموده و طبع شده آدام الباری برکات وجوده الشریف وأعانه لنصرة  
الدين الحنيف.

---

۱. ترجمه محقق منتبج شمس العلماء (۱۲۷۴-۱۳۶۱ق) فرزند خلف و صالح میر حامد حسین در منابع زیر آمده است:  
عبقات الأنوار، با تعریب، تحقیق و تنظیم استاد سید علی حسینی میلانی؛ أعيان الشيعة، ص ۴۹، ۱۰۷-۱۰۸؛ امینی،  
معجم رجال الفكر والأدب، ص ۳۹۰؛ قمی، هدیة الأحاب، ص ۱۷۷؛ مدزس تبریزی، ریحانة الأدب، ص ۴، ۱۴۴-۱۴۵؛  
مقدمه عبقات الأنوار، ج ۱، ص ۶۲؛ گلپایگانی و استادی، سواطع الأنوار، ص ۸۴-۸۸؛ امینی، مقدمه إفحام الأعداء  
والخصوم؛ سببکة اللجین فی مناقب السید ناصر حسین.





## ۹. گزیده دانشوران و رجال اصفهان<sup>۱</sup>

### شهر لکنه‌و

لکنه‌و - به فتح لام و سکون کاف عربی و نون مکسوره و هاء مضمومه بعده الواو و بعده الهمزة - شهری است دلگشا و مدینه‌ای است روح‌افزا. چهار جانب او گشاده و در زمین هموار واقع است. در جغرافیای قدیم او را در آخر اقلیم سؤم نوشته‌اند. هوایش گرم و آبش سازگار و انواع حبوبات و غلات در او فراوان است.

مردم این شهر سه طایفه می‌باشند: اول: هندوان، و دوم: شیعه اثناعشریه، و سؤم: از اهل سنت و جماعت حنفی مذهب. ولی در این شهر، اقتدار با شیعه می‌باشد؛ از این جهت او را دارالملک تشیع و دارالایمان نامند.

وضع خیابان‌های این شهر مثل سایر شهرهای هندوستان [به] اسلوب معماری فرنگ است، و رود بزرگی از جانب او می‌گذرد. مساجد و مدارس در این شهر بیش از سایر شهرهای هند است. گویند: قرب هزار امام باره دارد، یعنی تکیه‌ای که برای عزاداری حضرت سیدالشهداء ساخته‌اند. مرحوم میر سید حامد حسین از این شهر است.

### میر سید حامد حسین

میر سید حامد حسین که یکی از مفاخر بزرگ شیعه دنیا است و پدر او از نیشابور ایران بوده در شهر لکنه‌و نشو و نما یافته.

۱. گزیده دانشوران و رجال اصفهان و زندگینامه خودنوشت، سید محمدعلی مبارکه‌ای، متوفای ۱۳۶۵ ق، به کوشش رحیم قاسمی، قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه، چاپ اول، ۱۳۹۳، ص ۴۳۰-۴۳۱.

این شخص بزرگ کتابی در اثبات مذهب شیعه نوشته موسوم به *عِبَقَاتُ الْأَنْوَارِ* موضوع این کتاب ردّ بر یک نفر از علمای اهل سنت است که ردّی بر مذهب شیعه و تکذیب احادیثی که شیعه بدان‌ها تمسک نموده‌اند نوشته است. مرحوم میر سید حامدحسین در ردّ این کتاب، کتاب *عِبَقَات* را مرقوم داشته و هر مجلّدی را در اثبات یکی از آن احادیث مقرر نموده. بدین ترتیب که از علمای عامّه و صحابه کبار - که از صدر اوّل اسلام تا عصر خود آن حدیث را نوشته و یا روایت نموده‌اند - تمامی را با اقوال علمای اهل سنت در توثیق آنها، و شاگردان هر یک از علمای مصتفین را با اسامی کتب آنها مرقوم داشته است.

یکی از مجلّدات *عِبَقَات* را نویسنده شمردم، بالغ از سه هزار کتاب از اهل سنت در اثبات حدیث «أنا مدینه العلم» نام برده.

اسباب نوشتن این کتاب را حکام رامپور و خیرپور و انجمن شیعه در لکنهوه فراهم نموده‌اند، و از طرف سیاست‌مداری نایب السلطنه هند هم اقتضاء چنین می‌کرد که مخالفت میان سنی و شیعی اشتداد پیدا کند، و به نوشتن ردّها بر علیه یکدیگر، جامعه را مشغول نمایند.

مرحوم میر سید حامدحسین را شیعه هند کرامات بسیاری از برای او نقل نموده‌اند، ولی نویسنده را عقیده این است که بالاترین کرامت، نوشتن همان کتاب *عِبَقَات* است که از علمای متقدّمین و متأخرین در شیعه کسی از عهده چنین تألیفی برنیامده است.

گویند که: میر سید حامدحسین مسافرتی به تمام ممالک اسلامی نموده و در کتاب‌خانه سلاطین آل عثمان در اسلامبول و کتاب‌خانه «خدیویه» در مصر وارد شده و هر نسخه‌ای که به نظرش درآمده که برای مقصود مفید بوده با پول‌های گزاف استنساخ نموده و یا عین نسخه را گرفته است. کتاب‌خانه آن مرحوم الحال در این شهر موجود و برقرار است. نویسنده در آن کتاب‌خانه فوایدی به دست آورد، و الحال هم فرزند ارجمند و باسعادت آن مرحوم در تتمیم مجلّدات *عِبَقَات* مشغول است.

میر سید ناصرحسین

جناب میر سید ناصرحسین فرزند مرحوم جناب میر سید حامدحسین است. جامع معقول

و منقول، و در علم فقه و اصول استاد زمان است، و در علم حدیث در ممالک اسلامی کمتر کسی مانند آن جناب است. عموم شیعه مذهب، مقام او را در هندوستان ارجمند شمارند و جمعی ربقه تقلید دینی از شخص او به گردن نهاده اند.

به صفت زهد و تقوا آراسته، و به فضایل و مکارم اخلاق و ملکات معنوی زینت بخش عالم روحانیت است. اوقات خویش را به تألیف و تصنیف می گذراند. اکنون مجلّدات عبقات را به نوزده جلد رسانیده است. نویسنده از خدمتش بهره مند گشته، قرب هفتاد سال است از روزگار شریف او می گذرد.

از جمله اموری که مورد توجه من شد در این شهر، همتی است که در تربیت مبلغین و وعاظ شیعه به ریاست مولانا نجم الحسن به نام مدرسه الواعظین مصروف داشته اند و فواید بسیاری حاصل کرده اند.

